



تظاهرات بزرگ کارگری در شهر نیس فرانسه



در نیمه اول ماه دسامبر هم زمان با اجلاس سران اتحادیه اروپا در نیس فرانسه، متجاوز از صد هزار تن از کارگران و دیگر جریان‌ها، برغم محدودیت‌های دولت فرانسه و اقدامات سرکوبگرانه پلیس این کشور، تظاهرات گسترده‌ای را در نیس سازمان دادند و اعتراض خود را نسبت به نظام سرمایه‌داری و سیاست‌های سران اتحادیه اروپا ابراز داشتند.

صفحه ۳

لایحه بودجه ۱۳۸۰

و

کارنامه سردارسازندگی دوم

خاتمی رئیس‌جمهور، آخرین لایحه بودجه این دوره ریاست جمهوری اش را به مجلس تقدیم کرد. ارائه لایحه بودجه سال ۱۳۸۰ فرصتی بود تا او عملکرد اقتصادی دوران ریاست جمهوری اش را نیز ارزیابی نماید. در سخنان مفصلی که خاتمی در این باره بیان کرد از جمله گفت که در این دوره تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت هر ساله رشد کرده و در سال جاری نیز رشد بیشتری خواهد داشت. به ادعای او این افزایش تولید ناخالص داخلی با بهبود توزیع درآمد عمومی همراه بوده است. در زمینه نرخ تورم خاتمی مدعی شد این نرخ در دوران ریاست جمهوری او هر ساله کاهش یافته و در سال جاری به ۱۵ درصد رسیده است. او از کاهش نرخ بیکاری در این دوران سخن گفت و وعده داد که در سال آینده این نرخ بازم کاهش یافته و به کمتر از ۱۲ درصد می‌رسد. او همچنین از افزایش سرمایه‌گذاری، به نرخ ثابت در این سالها سخن گفت و در پایان نیز از بازپرداخت بدهی‌های خارجی، کاهش تعداد نرخ ارز، تثبیت ارزش پول ملی، افزایش نرخ سواد آموزی، افزایش تعداد دانشجویان کشور، بالا رفتن امید به زندگی، ساختن راه‌های روستائی، مطالعه و یا اجرای ۲۵۲ طرح در بخش آب، بهره‌برداری از سد و بهره‌برداری از ۲۳۰۰ طرح صنعتی که ۴۴۸۰۰ شغل ایجاد کرده اند به عنوان فاکت‌های دیگری در زمینه بهبود وضع اقتصادی کشور نام برد و مدعی شد همان پائین آمدن قیمت‌ها "نشانه" موفقیت نظام جمهوری اسلامی در عرصه اقتصادی و پشت سر گذاشتن بحران هائی است که هر کدام از آن بحرانها کافی

صفحه ۲

۱۶ آذر امسال چگونه برگزار شد؟

شد. جمهوری اسلامی که در عین حال می‌دانست در جریان تظاهرات دانشجویان، رادیکالیسم جنبش دانشجویی به سرعت مرزهای تنگ و محدود تشکلهای وابسته به جناح‌های حکومتی را پشت سر می‌گذارد و بالنتیجه جریان امور از دستش خارج می‌شود، حتی تقاضای تشکیلات وابسته به خود یعنی دفتر تحکیم وحدت را هم رد کرد و آن را نپذیرفت. در آستانه روز دانشجو، دست اندرکاران حکومتی از رهبر گرفته تا رئیس جمهور و سران تحکیم وحدت و خط امامی‌ها همگی دانشجویان را به "عدم افراط‌گری"،

صفحه ۴

علی‌رغم همه مشکلات و موانعی که بر سر راه دانشجویان قرار داشت، امسال نیز آنان روز ۱۶ آذر را گرمی داشتند و ضمن برپائی اجتماعات، میتینگ‌ها و ایراد سخنرانی، مطالبات سیاسی - صنفی خویش را به میان کشیدند. جمهوری اسلامی که اعتراضات و تظاهرات خیابانی دانشجویان در تیر ماه ۷۸ را تجربه کرده بود و به شدت از تکرار این مسئله هراس داشت، هرگونه تظاهرات را به پیمائی در روز ۱۶ آذر را ممنوع اعلام کرد و علاوه بر آن نیروی انتظامی نیز این موضوع را هشدار داد و تهدید نمود که با متخلفین "برابر مقررات" رفتار خواهد

یادداشت‌های سیاسی

در این شماره

۸	* خاتمی در ۱۶ آذر حرف آخر خود را زد
۶	* این اژدها، فرزند خود را هم می‌بلعد!
۷	* نگرانی رئیس قوه قضائیه حکومت اسلامی
۷	* وکیل خانواده‌های مختاری و پوینده هم بازداشت شد
۲	اخباری از ایران
۵	اخبار کارگری جهان
۷	خلاصه‌ای از اطلاعیه‌های سازمان

اخباری از ایران

* اعتصاب ۷ روزه کارگران ماشین سازی تبریز

۲۰۰۰ تن از کارگران ماشین سازی تبریز، در اعتراض به واگذاری کارخانه به بخش خصوصی، و برخورد توهین آمیز برخی مدیران، به مدت یک هفته دست از کار کشیدند. این اعتصاب هنگامی آغاز شد که ۸٪ کارخانه به بخش خصوصی واگذار شد و کارگران دریافتند که در تدارک اخراج آنها هستند. کارگران با اعتصاب خود هشدار دادند که واگذاری کارخانه به بخش خصوصی و اخراج احتمالی کارگران با واکنش دسته جمعی روبرو خواهد شد. علاوه بر این کارگران ماشین سازی تبریز خواهان افزایش دستمزد و پاداش، برافتادن نابرابری های فاحش حقوقی، اخراج مدیرکل، پرداخت وام و اخراج مهندسی هستند که به کارگران توهین کرده بود. این اعتصاب تا روز ۱۴ آذر ادامه یافت. پس از مذاکراتی که مقامات محلی با کارگران داشتند و وعده هایی که به کارگران داده شد، اعتصاب پایان یافت. اما کارگران تاکید نمودند که اگر خواسته های آنها محقق نشود، دوباره دست به اعتصاب می زنند.

* اعتصاب و تظاهرات کارگران علاءالدین

کارگران شرکت علاءالدین برای چندمین بار در سال جاری، دست به اعتصاب زدند و در روز ۱۹ آبان با تجمع در برابر این شرکت و روشن کردن آتش در اتوبان تهران - کرج، خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند. بیش از ۳۰۰ کارگری که در این تجمع اعتراضی شرکت داشتند، ضمن اعتراض شدید نسبت به اقدامات مسئولین شرکت از قبیل قطع آب و برق و تلفن و غیره، خواستار پرداخت ۸ ماه حقوق عقب افتاده خود شدند. اما از آنجا که در این روز به خواسته های کارگران توجهی نشد، آنان یکبار دیگر در ۲۹ آبان دست به یک تجمع اعتراضی زدند و با آتش زدن لاستیک و ایجاد راه بندان، برای چندمین بار جاده مخصوص کرج را مسدود کردند. کارگران کماکان خواستار پرداخت حقوق های عقب افتاده، پایان بلا تکلیفی و تضمین شغلی خود شدند. به دنبال این اقدام اعتراضی، اعضاء شورای تامین و نیروهای انتظامی به محل اعزام شدند. از نتیجه این حرکت اعتراضی کارگران هنوز خبری به دست ما نرسیده است.

* تجمع اعتراضی کارگران فرش محتشم کاشان

کارگران شرکت فرش محتشم کاشان، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خویش در صفحه ۳

مشکلات اقتصادی مردم به طور خود بخودی و فقط به صرف انتخاب ایشان به ریاست جمهوری برطرف شده است. گویا هزاران کارگر که دست به اعتصاب میزنند، جاده ها را می بندند، راهپیمایی و تظاهرات و تحصن می کنند، این اعتراضات را از سر خوشی، و در اثر بهبود توزیع درآمد انجام می دهند. گویا کارگران پتروشیمی جنوب، ماشین سازی تبریز و دهها کارخانه دیگر در اثر بهبود هایی که رئیس جمهور مدعی است در زندگی مردم ایجاد شده دست به اعتصاب و اعتراض میزنند. گویا هزاران زن از سرخوشی به تن فروشی روی آورده اند، بیش از سه میلیون معتاد نشانه افزایش امید به زندگی در ایران است و آمار تکان دهنده افزایش خودکشی، افسردگی، کودکان خیابانی و پدیده هایی از این دست نشانه بهبود وضع مردم و سلامت جامعه اسلامی است. به نظر نمی رسد آنچه لایحه بودجه سال ۱۳۸۰ و اجرای آن برای توده مردم ایران، میلیونها کارگر و زحمتکش به ارمغان بیاورد، فراتر از عملکرد اقتصادی سه سال ونیم گذشته دولت خاتمی باشد. این لایحه بودجه نیز که بر پایه برنامه " توسعه اقتصادی " سوم جمهوری اسلامی تنظیم شده است، نتایج دیگری بیار نخواهد آورد. محورهای این بودجه همانند چند سال گذشته افزایش بودجه دستگاه های سرکوب و نیروهای نظامی، بازگذاشتن بیشتر دست سرمایه داران داخلی و خارجی در استثمار کارگران و غارت منابع طبیعی است. خاتمی در زمینه اقتصادی هیچ کاری جز ادامه برنامه های اقتصادی " سردارسازندگی " و رهنمود های بانک جهانی انجام نداده است. از همین روست که دعای او کپی دست چندم ادعاهای رفسنجانی به هنگامی است که دوران ریاست جمهوری اش به پایان رسیده بود. خاتمی که با شعار " اصلاح " حکومت دینی پایه میدان گذاشت، می خواهد شکست کامل اش در عرصه اصلاحات سیاسی را با لاف زنی در باره دستاوردهای اقتصادی تحت الشعاع قرار دهد. از این روست که در نقش سردارسازندگی دوم ظاهر شده است.

لایحه بودجه ۱۳۸۰

و کارنامه سردارسازندگی دوم

بود که جامعه را دچار تنش های عجیب و عظیمی بکند.

در ارتباط با لایحه بودجه سال ۱۳۸۰ نیز به همین سیاق، رئیس جمهور مدعی شد این بودجه در همه زمینه ها از تولید محصولات پتروشیمی و فولاد گرفته تا صادرات غیر نفتی، ایجاد اشتغال، مهار تورم و غیره سبب رشد و بهبود وضع اقتصاد خواهد شد. سخنان خاتمی در ارتباط با عملکرد اقتصادی جمهوری اسلامی در دوران ریاست جمهوری او، در وهله اول این سؤال را ایجاد می کند که او از اقتصاد کدام کشور سخن می گوید؟ اگر سخن از اقتصاد ایران است ادعای کاهش بیکاری، عادلانه تر شدن توزیع درآمد و بالا رفتن نرخ سواد آموزی و افزایش امید به زندگی، جز دروغ بی شرمانه چیز دیگری نیست. نگاهی به فقر و وضعیت اسفبار زندگی مردم، تاملی در رشد نابسامانیهای اجتماعی، درصد ترک تحصیل یا محرومیت کودکان از تحصیل، همگی خلاف دعای رئیس جمهور را اثبات می کنند. خاتمی در حالی عوامفربانه از توزیع عادلانه تر درآمد سخن می گوید که شکاف میان فقر و ثروت با گذشت هر روز و در دوران ریاست جمهوری او عمیق تر شده است. حتی طرفداران خود او اذعان می کنند که ۸۵ درصد ثروت های جامعه در دست ۱۵ درصد از افراد متمرکز است. این ادعا در حالی مطرح می شود که اعتیاد، تن فروشی، و مشاغل کاذب در کشور بیداد میکند. جوانان بیکارند و هیچ چشم اندازی به آینده شان تحت حاکمیت این رژیم ندارند. دهها هزار کارگر ماههاست حقوق نگرفته اند، هزاران کارگر مدام در هراس از بیکاری و اخراج بسر می برند و میلیونها بیکار وسیله ای برای امرار معاش ندارند. در چنین شرایطی سخن گفتن از توزیع عادلانه درآمد و افزایش امید به زندگی جز شارلاتانیسم چه عنوانی می تواند داشته باشد؟

تا همین اواخر، وقتی جناح خامنه ای که در مقابله با اصلاح طلبان، عوامفربانه سنگ منافع اقتصادی و معیشتی مردم را به سینه می زد، چنین تبلیغ می کرد که باید به مسائل اقتصادی مردم اولویت داد، " اصلاح طلبان " و در راس آنها خاتمی می گفتند حل مسائل اقتصادی در گرو رفرم های سیاسی است که شرایط مناسب را برای سرمایه داران و رشد اقتصادی فراهم کند، حال که " اصلاحات " سیاسی هم به بن بست رسیده و تعدادی از طرفداران خاتمی نیز به زندان افتاده اند، خاتمی چنان در باره وضعیت اقتصادی به هذیان گویی افتاده که گویا

به علت تراکم مطالب ادامه مقاله

مبارزه طبقاتی و رهایی زنان

در شماره آینده به چاپ می رسد

جدائی دین از دولت، جزئی جدائی ناپذیر از آزادیهای سیاسی است

اخباری از ایران

در برابر فرمانداری این شهر تجمع کردند و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. به گفته یکی از کارگران، مدیرین این شرکت که هم اکنون فراری هم هست، در اثر سوء استفاده های مالی، میلیون ها تومان بدهکاری بالا آورده و بیش از ۸ ماه است که حقوق ۲۳۰ کارگر این شرکت را نپرداخته است.

* تجمع کارگران نیشابود در مقابل بیمارستان تامین اجتماعی

حدود ۳۰۰ تن از کارگران مراکز صنعتی و تولیدی نیشابور، باردیگر روز ۱۰ آذر در برابر بیمارستان تامین اجتماعی تجمع نمودند و به واگذاری این بیمارستان به وزارت بهداشت اعتراض نمودند. کارگران که شعار برکناری رئیس سازمان تامین اجتماعی را می دادند، گفتند تامین اجتماعی متعلق به کارگران است و کسی حق ندارد از پول کارگران بیمارستان بسازد و آنرا در اختیار سازمان ویا وزارتخانه دیگری قرار دهد. کارگران تهدید کردند که به هیچوجه اجازه نخواهند داد، این بیمارستان به فروش برسد. در جریان این اعتراض کارگران، نیروهای مسلح رژیم برای مقابله با کارگران در محل حضور یافتند.

* تجمع کارگران شرکت جهاد تعاون در مقابل استانداری

۵۰ تن از کارگران شرکت جهاد تعاون در نیمه اول آذر ماه در مقابل استانداری کردستان اجتماع کردند و خواستار پرداخت حقوق معوقه خود شدند. شرکت جهاد تعاونی قبلا وابسته به وزارت جهاد سازندگی بود که به بخش خصوصی واگذار شد. کارفرما که چهار ماه حقوق کارگران را نپرداخته است، قصد دارد تعداد زیادی را اخراج کند. علاوه بر این، کارگران معترض گفتند که به علت عدم پرداخت حق بیمه از سوی کارفرما، از خدمات درمانی نیز محروم شده اند. نیروهای مسلح رژیم به کارگران حمله کردند و آنها را متفرق نمودند.

* تجمع اعتراضی کارگران ایران چاشنی

بیش از ۱۵۰ نفر از کارگران کارخانه ایران چاشنی مشهد، در اعتراض به عدم پرداخت حقوقها و تمدید نشدن دفترچه بیمه خویش در محل خانه کارگر خراسان تجمع کردند. در این تجمع اعتراضی، کارگران خواستار پرداخت حقوق های عقب افتاده و ضمانت شغلی خود شدند.

* اعتراض کارگران پنبه نسوز

به دنبال تصمیم هیئت مدیره کارخانه پنبه نسوز نهبندان مبنی بر واگذاری این واحد به بخش خصوصی، موجی از نگرانی در میان کارگران ایجاد شده است. مدیریت شرکت،

تظاهرات بزرگ کارگری در شهر نیس فرانسه

وقتی کنفدراسیون سندیکاهای اروپا (CES) برای تظاهرات روز چهارشنبه ۶ دسامبر ۲۰۰۰ در شهر نیس فراخوان داد، هرگز تصور نمی کرد که این تظاهرات با استقبال یکصد هزار نفر روبرو شود. این رقم دقیقا دوبرابر تظاهرات ۱۹ ژوئن گذشته در پوتو (پرتغال) بود. تعداد شرکت کنندگان به حدی بود که وقتی ابتدای صفوف تظاهرکنندگان به مقصد رسید، انتهای آن هنوز حرکت نکرده بود. تظاهرات ۶ دسامبر نیس علیه "سرمایه داری" یک سال پس از تظاهرات سیاتل در آمریکا برپا شد.

این تظاهرات روز قبل از اجلاس سران اروپا در این شهر ساحلی جنوب فرانسه برگزار شد و کارگران و زحمتکشان بیشتر کشورهای عضو اتحادیه اروپا به ویژه فرانسه، اسپانیا، ایتالیا و حتی کشورهای غیر عضو به آن پیوستند. سندیکای فرانسوی (ث. ژ. ت) بیشترین سهم را در بسیج این تظاهرات برعهده داشت. برنارد تیبو، دبیر اول (ث. ژ. ت) در کنگره سال پیش این سندیکا گفته بود: "۸۰۰ هزار نفر عضو سندیکای ما خواهند توانست به تنهایی حقوق اجتماعی را در اروپا مطالبه کنند و ما به یک اتحاد وسیع نیازمندیم." موفقیت تظاهرات ۶ دسامبر و آمدن هیئت هایی از کشورهایمانند اسلوانی و لوکزامبورگ و غیره جنبه های از درستی اظهارات تیبو را به منصفه ظهوررساند. یکی از شرکت کنندگان اسلوانی گفت: "کشور ما عضو اتحادیه اروپا نیست، اما ما به نیس آمده ایم تا به کارگران عضو سندیکاهای کشورهای اروپایی کمک کنیم." درصفت کشور لوکزامبورگ تصاویر متعددی از "چه گوارا" به چشم میخورد و یکی از کارگران شرکت کننده گفت: "ما در این تظاهرات، اروپایی واقعی را می بینیم. اروپایی مبارزه جو و مخالف با نظم حاکم." در روز اجلاس سران اتحادیه اروپا، روز

از ۷۰ نفر از کارگران فرش اکباتان قزوین، با برپایی یک تجمع اعتراضی در برابر سازمان بازنشستگان کل کشور در تهران، خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. مسئولین کارخانه، به بهانه خصوص سازی، ماشین آلات نساجی را به فروش رسانده و تدریجا بیش از هزار تن از کارگران را اخراج نموده اند. بنا به گزارش خبرنگار ایسنا، هم اکنون ۳۸۰ کارگر این کارخانه درحالت بلامتکلیفی قرار دارند و سه سال است که هرروزه در محوطه کارخانه تجمع می کنند اما به آنها اجازه کار داده نمی شود. کارگران نسبت به عملکرد مسئولین شرکت شدیداً اعتراض دارند و خواستار ادامه کاری و تضمین شغلی خود هستند.

* اجتماع اعتراضی کارگران فرش اکباتان

روز سه شنبه بیست و هفتم آبان ماه، بیش

اخباری از ایران

* تجمع اعتراضی کارگران شهرداری

صبح چهارشنبه نهم آذرماه بیش از صد کارگران شهرداری در مقابل ساختمان شورای شهرداری تهران، یک اجتماع اعتراضی بر پا کردند. این کارگران که از ۸ تا ۲۲ سال سابقه کار دارند، بدنال یک مصوبه شورای عالی اداری مبنی بر واگذاری بخشی از خدمات دولتی به بخش خصوصی در زمان کرباسچی، با مبالغ بسیار ناچیزی اجبارا بازخرید و یا بازنشسته شدند. شایان ذکر است که کارگران اخراج شده شهرداری، بالغ برده هزار نفر می باشند. این کارگران تصمیم گرفته اند به همراه اعضای خانواده خویش به تجمعات اعتراضی خود ادامه دهند.

* اعتراض کارگران بیمارستان سینا

بیش از هفتاد تن از کارگران اخراج شده بیمارستان سینا، در ادامه اعتراضات خود، صبح روزیکشنبه پانزدهم آبان ماه، باردیگر در برابر خانه کارگر تهران دست به تجمع زدند. کارگران اخراجی که از ۳ تا ۲۵ سال سابقه کار دارند، پیش از این نیز با تجمع در برابر بیمارستان و خانه کارگر نسبت به این اقدام ضدکارگری اعتراض کرده بودند. این کارگران خواستار احقاق حقوق خود و بازگشت به کار می باشند.

* پایور تعطیل و ۲۱ کارگر بیکار شدند

شرکت تولیدی "پایور" در شهر صنعتی کاوه، تعطیل و ۲۱ تن از کارگران شاغل در آن از کار بیکار شدند. این شرکت که مدتی زیر نظر جهاد سازندگی استان تهران قرار داشت و تولید کننده اسکلت های فلزی بود، از اوائل سال جاری به رکود کشیده شده و اخیرا بکلی تعطیل شد. کارگران از مهرماه به بعد هیچ گونه حقوقی نگرفته اند.

* ۴۱۰ کارگر در معرض بیکاری

شرکت نساجی "چوخا" در ساری وابسته به بانک صنعت و معدن در معرض تعطیلی و ۴۱۰ کارگر این کارخانه در معرض بیکاری اند. کارگران این شرکت که غالبا بیش از ۲۰ سال سابقه کار دارند، به شدت نگران آینده شغلی خود هستند.

* اعتراضات و اعتصابات دانشجویی

دانشجویان دانشگاه رجائی تهران در اعتراض به نابسامانی آموزشی و رفاهی به مدت چند روز دست به تحصن و اعتصاب

۱۶ آذر امسال چگونه برگزار شد؟

با این همه و علی رغم خواست آقای رئیس جمهور و نصایح سایر "اصلاح طلبان" به دانشجویان مبنی بر "خویشتر داری" و "پرهیز از تند روی" و امثال آن، دانشجویان تا آنجا که موقعیت به آنان اجازه می داد شعارها و خواست های خویش را نیز بیان کردند. علاوه بر شعارهایی علیه روزنامه رسالت و کیهان و صدا و سیما، علیه فلاحیان و رئیس وی رفسنجانی نیز شعار دادند. مرگ بر دیکتاتور! مرگ بر طالبان! توپ تانک بسیجی دیگر اثر ندارد! از جمله شعارهای دیگر دانشجویان بود و سرانجام با سر دادن شعار هجدهم تیرماه، شانزده آذرماست، از مبارزات دانشجویی و اعتراضات خیابانی تیرماه سال گذشته دفاع نموده، بر این راه و آرمانهای آن انگشتی می نهادند و بدین شکل جنبش دانشجویی را به جنبش توده ای پیوند می زدند. افزون بر اینها و برغم مخالفتها و ممانعت های که از سوی نیروهای بسیجی و دستگاه های ذریبط بر سر راه دانش جویان برای بزرگداشت ۱۶ آذر قرار داشت، دانشجویان در اکثر شهرهای بزرگ ایران، با برپایی تجمعات، اعتصابات، تظاهرات و ایراد سخنرانی به پیشواز ۱۶ آذر رفتند. دانش جویان دانشگاه علامه طباطبائی به رغم مخالفت هیئت نظارت این دانشگاه با برپایی مراسمی این روز را گرامی داشتند. در دانشگاه صنعتی اصفهان، با برپایی تجمع و میتینگ به حمایت از روزنامه نگاران زندانی برخاستند. در دانشکده فنی تهران نیز مراسمی به همین مناسبت برپا شد. در زنجان، شیراز، همدان، تبریز، مشهد، ارومیه و برخی دیگر از شهرها نیز توسط دانشجویان مراسمی به همین مناسبت برپا شد. در تمام این آکسیون ها دانشجویان خواستار آزادی بیان و اندیشه شدند. بدون استثنا در تمام این آکسیونها فریاد زدند "زندانی سیاسی آزاد باید گردد!" آنان بدین طریق، خواستار آزادی رفقا و دوستان خود بودند که در جریان تظاهرات تیرماه سال گذشته و سایر اعتراضات دانشجویی دستگیر و زندانی شده اند، آنان خواستار آزادی کسانی هستند که به جرم ابراز عقیده به زندان و حبس افتاده اند، آنان خواستار آزادی نویسندگان، روزنامه نگاران و هنر مندان اند، آنان خواستار آزادی کسانی هستند که به جرم دفاع از آزادی و برابری و به جرم دفاع از حقوق کارگران به زندان و حبس افتاده اند، آنان خواستار آزادی کسانی شدند که برای کسب حقوق خویش بپا خواسته اند و از کارخانه ها و مراکز تولیدی ربوده شده و به زندان افتاده اند. دانشجویان خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی اند. بدین وسیله دانشجویان مبارز در ۱۶ آذر امسال، نیز بار دیگر حصار دانشگاه و حصار

"متانت و عقلانیت" فراخوانده و از آنان خواستند "آستانه تحمل خود را بالا ببرند" تا آرامش در جامعه حفظ شود!

این تلاشها تماما در این جهت بود تا ضمن استفاده از نیروی دانشجویی به نفع یک جناح، دامنه اعتراضات دانشجویی را محدود کنند و مانع انعکاس صدای دانشجویان شوند. دفتر ریاست جمهوری، دانشجویان را به شرکت در جلسه سخنرانی خاتمی در روز ۱۶ آذر در دانشگاه تربیت مدرس دعوت کرد. گرچه شمار دانشجویانی که برای شنیدن حرفهای خاتمی در این جلسه شرکت کرده بودند نسبت به رقم کل دانشجویان ناچیز بود و از چند هزار نفر تجاوز نمی کرد و باز اگر چه سطح مطالبات و شعارهایی که توسط دفتر تحکیم وحدت و اعضای انجمن های اسلامی مطرح می شد، از میانگین خواست ها و شعارهای دانشجویان شرکت کننده و به طریق اولی از سطح خواست های رادیکال دانشجویی به مراتب پائین تر بود، مع هذا حتی در این چار دیواری و محیط بسته هم نمیشد دانشجویان را محدود ساخت و آنان در شعارها و طرح مطالبات خود، از این چارچوبها فراتر می رفتند و نشان می دادند که کل "اصلاح طلبان حکومتی" و زعیم آنها نیز بسیار عقب تر از دانشجویان هستند.

پس از حضور آقای خاتمی در جمع دانش جویان و همین که او دهانش را باز کرد، به فوریت معلوم شد که چیزی برای گفتن ندارد. نه کلامی که در آن از عزم رئیس قوه مجریه برای عمل به وعده هایش حکایت کند، نه سخنی که از آن بوی حمایت از دانشجویان به مشام برسد و نه حتی وعده های توخالی که آنها هم دیگر نه کشیده بودند، مثنی حرفهای کهنه شده در توجیه بی جبرگی ها و تداوم شیوه های تاکتونی در تأیید سرکوب ها و بی حقوق ها! جز انکار حقیقت، حرفی که شاید می شد آنرا جدید تلقی کرد!؟ خاتمی حرف دیگری نداشت. آقای خاتمی رئیس "اصلاح طلبان حکومتی" و معمار "جامعه مدنی" (جامعه النبوی!) مکررا بر حکومت دینی که اساس آن اسلام است تأکید نمود. خاتمی شایعه تغییرقانون اساسی را تکذیب و قویا با آن مخالفت نمود. و فقط این هم نبود، خاتمی رهبر "آزادیخواهان" در برابر شعار یکپارچه دانشجویان که می گفتند "زندانی سیاسی آزاد باید گردد!" از خود واکنش نشان داد و از دانشجویان پرسید از کدام زندانی سیاسی صحبت می کنید! و به کلی منکر زندانی سیاسی "بیگناه!" شد. بدین ترتیب او نه فقط باردیگر اقدامات سرکوب گراسته دستگاه های امنیتی و قضائی در بازداشت و حبس و شکنجه دانشجویان و سایر مخالفین رژیم را تأیید کرد، بلکه بر بازداشت و شکنجه و حبس روزنامه نگاران و مدافعان خویش هم مهر تأیید گذاشت.

اخباری از ایران

زدند. این اعتراض دانشجویی که از یکی از خوابگاه‌های این دانشگاه در اعتراض به کیفیت نامناسب غذا آغاز گردید به سرعت گسترش یافت و به اعتصاب دانشجویان در تمام دانشگاه انجامید.

* دانشجویان کاردانی تربیت بدنی دانشگاه فوق الذکر در برابر ساختمان شماره ۳۵ آموزش و پرورش دست به تجمع اعتراضی زدند که این مسئله موجب ایجاد راه بندان گردید.

* دانش جویان دانشکده مهندسی کاربردی ماشین سازی اراک در محل وزارت صنایع تجمع کردند و خواستاران شدند تا بر مبنای مقررات آموزش عالی به آنان مدرک کارشناسی داده شود.

* دانشجویان خوابگاه حکیمیه دانشگاه علم و صنعت در محل توزیع غذا اجتماع اعتراضی برپا کردند و با خواندن سرودهایی، خواستار آن شدند که مسئولین دانشگاه به مطالبات آنها پاسخ دهند.

* دانشجویان خوابگاه مناهلین " شهید مدرس دانشگاه شاهد " روز ۲۴ آبان، دست به اعتصاب و اعتراض زدند و خواستار پاره‌ای مطالبات رفاهی شدند.

* شمارزیادی از دانشجویان مقیم کوی دانشگاه تهران شب شنبه شب نوزدهم آذرماه، در محل کوی امیر آباد دست به اعتراض و تظاهرات زدند و خواستار بهبود اوضاع رفاهی خود شدند.

* روز یکشنبه بیستم آذرماه، دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر تهران واحد تفرش، دست به اعتصاب و تحصن زدند و نسبت به وضعیت امنیتی دانشگاه، مشکلات آموزشی و رفاهی اعتراض کردند.

۱۶ آذر امسال چگونه برگزار شد ؟

های دیگر را شکستند و صدای اعتراض خویش را نیز به گوش همگان رساندند. دانشجویان در عین حال بیش از پیش به این مسئله پی برده‌اند که به هیچ عنوان نبایستی به اصلاح طلبان حکومتی و تشکیلات وابسته به جناح‌های آن دل ببندند و با برپائی تشکیلات مستقل دانشجویی و سازماندهی اعتراضات مستقل از جناح‌های حکومتی است که بایستی رژیم را در عرصه مطالبات سیاسی - صنفی و رفاهی زیر فشار بگذارند.

تجربه در عین حال یکبار دیگر این حقیقت را نیز اثبات می کند که وجود حکومت دینی که رئیس "اصلاح طلبان" نیز در روز ۱۶ آذر بار دیگر بر آن تاکید نمود، با انواع بی حقوقی‌ها و انبوه زندانیان سیاسی و عقیدتی ملازم است و از همین جاست که تحقق آزادی‌های سیاسی و آزادی زندانیان سیاسی با براندازی حکومت اسلامی گره می خورد.



* استرالیا: اعتصاب ۴۰۰۰ معدنچی

گروه صنعتی BHP صاحب صدها معدن و تاسیسات عظیم بنادر، چند سال است که تلاش همه جانبه‌ای را برای خاتمه دادن به تعیین شرایط کار از طریق قراردادهای دسته جمعی آغاز نموده است. این تلاشها خشم کارگران را برانگیخته و هزاران نفر در اعتراض به این تشبثات دست به اعتصاب و اعتراض زده‌اند. سال گذشته هزاران نفر از کارگران معدن و بنادر با اتخاذ تاکتیک "اعتصاب زنجیره‌ای" صاحبان این شرکت را به عقب نشینی واداشتند. اما اکنون هر دو طرف در انتظار تصمیم دادگاه عالی در استرالیا هستند. در این مدت صاحبان این گروه صنعتی سیاست "چماق و شیرینی" را به کار بسته و در هر فرصتی تلاش نموده‌اند کارگران را وادار به عقد قراردادهای فردی نمایند. این بار صاحبان این شرکت راه دیگری برای پیشبرد مقاصد خود انتخاب نمودند و آنهم واگذاری مراحل مختلف کاردر معادن و بنادربه شرکت‌های پیمانکاری است. اما در این جا هم کارفرما با مقاومت کارگران مواجه شد. روز ۱۰ نوامبر و در اعتراض به این تصمیم کارفرما، تمامی چهار هزار کارگر فلزکار در منطقه Port Kembla دست از کار کشیده و خواستار توقف فوری این اقدامات شدند. کارگران اعلام نمودند که رای دادگاه هرچه باشد، به سرمایه داران اجازه نخواهند داد که شرایط کار را از طریق قراردادهای فردی تعیین نمایند.

* مکزیک:

اشغال کارخانه توسط کارگران

روز ۱۴ نوامبر، ۲۰۰ نفر از کارگران تلمبه خانه گاز Villa hermpsa در منطقه Tabasco این تلمبه خانه را به اشغال خود در آوردند. این حرکت در اعتراض به عدم پرداخت کمک هزینه دولتی به کارگران انجام گرفت. سال گذشته زمانی که سیلی عظیم خانه و کاشانه محقر کارگران را با خاک یکسان کرد و تمامی داروندار آنان را تخریب نمود، دولت مکزیک در وحشت از گسترش موج اعتراضات وعده داد که مبلغی را به عنوان کمک برای بازسازی خانه و کاشانه کارگران به آنها پرداخت نماید. معذرا بعد از گذشت یکسال، هنوز هزاران کارگر شرکت دولتی گاز Pemex در انتظار پرداخت این کمک هزینه هستند. اما خشم کارگران زمانی اوج گرفت که آنها با خبر شدند که این کمک دولتی در نیمه راه به جیب گشاد روسا و مقامات دولتی سرازیر شده است. کارگران زمانیکه شنیدند کمک هزینه بیش از ۱۵ هزار کارگر به سرعت رفته دست به اشغال تلمبه خانه Villa hermpsa زده و خواستار پرداخت فوری این کمک هزینه خود شدند.

* اعتصاب ۶۰ هزار کارگر در برزیل

۶۰ هزار نفر از کارگران چندین کارخانه اتومبیل سازی در برزیل دست به یک اعتصاب سراسری زدند. کارگران با این حرکت خواستار افزایش دستمزدهای خود به میزان ۱۰٪ شدند. با این اعتصاب چرخ تولید در برزیل، که در جهان سرمایه داری دوازدهمین تولید کننده اتومبیل محسوب می‌گردد، به کلی متوقف گردید. اعتصابیون اعلام نمودند که دستمزدها باید متناسب با نرخ تورم افزایش یابد و خواسته آنها مبنی بر افزایش دستمزدها به میزان ۱۰٪ تنها یک درصد از نرخ تورم بیشتر است.

* کارگران کره جنوبی: کارخانه را ملی کنید!

صاحبان کارخانه اتومبیل سازی Daewoo و ۱۱ شرکت بزرگ ساختمانی کره جنوبی، اواخر ماه اکتبر، به طور همزمان اعلام ورشکستگی نمودند. به این ترتیب بیش از ۲۰۰ هزار کارگر در معرض اخراج قرار دارند. کارگران اما بیکار ننشسته و هم زمان با پخش این خبر دست به تعطیل کامل کارها زده و هرروزه در خیابان های شهر های مختلف کره جنوبی تجمع نموده و خواستار ملی کردن این کارخانه‌های ورشکسته شدند. اعتصابیون اعلام نمودند که این تاکتیک جدید سرمایه داران برای فرار از پرداخت مالیات بوده و با همدستی کامل دولت انجام گرفته است. کارگران می گویند که دولت تنها به فکر سهامداران این شرکتها بوده و هزینه این ورشکستگی به دوش کارگران این کارخانه افتاده است. در همین راستا روز ۱۳ نوامبر، بیش از ۲۰ هزار نفر از کارگران اعتصابی در خیابانهای سنول، پایتخت کره جنوبی دست به راهپیمایی زده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. این راه پیمایی آرام کارگران مورد یورش ماموران تا دندان مسلح ضد شورش پلیس قرار گرفتند. در اثر این حمله بیش از ۱۰۰ نفر از تظاهرکنندگان به شدت زخمی شده و دهها نفر توسط پلیس دستگیر شدند. کارگران در این روز، حمله ماموران پلیس را با مقاومت دو درگیری متقابل پاسخ دادند. اعتصابیون اعلام نمودند که اعتراضات خود را در تمام ماه دسامبر ادامه داده و تا رسیدن به خواسته های خود مبارزه تعطیل نخواهد شد.

* اعتصاب کارگران کارخانه رنگ سازی استرالیا

۷۰۰ کارگر کارخانه رنگ سازی واتل در سراسر استرالیا اقدام به اعتصاب کردند. این اعتصاب در اعتراض به اخراج ۶۰ کارگر این کارخانه در منطقه بلک تاون در شهر سیدنی انجام گرفت و بیش از ۶۰ میلیون دلار به این شرکت خسارت وارد کرد.

خاتمی در ۱۶ آذر حرف آخر خود را زد

درخارج ازحاکمیت بود، با چنان تحسین و استقبالی از سوی طرفداران خامنه ای و رفسنجانی روبرو شد که همه یک صدا به تعریف و تمجید از وی برخاستند. در این میان روزنامه کیهان نوشت:

" او دیروز خاتمی دیگری بود. متفاوت از گذشته بود. " دیروز همه آنها که دلشان برای . . . حکومت دینی و قانون اساسی می تپید، بیش از پیش خود را به خاتمی نزدیکتر می دیدند. " کیهان حقیقتی را باز گو کرد.

هرچه فشار و مبارزه مردم و مطالبات آنها بیشتر می شود و هرچه بحران عمیق تر می گردد، خاتمی بیشتر ناگزیر می شود مواضع

واقعی خود را شفاف تر بیان کند. او مجبور می شود دوپهلوی صحبت کردن را کنار بگذارد و مواضع امثال خامنه ای، رفسنجانی، کیهان و رسالت را تکرار کند. این به نفع جنبش توده ای و انقلاب است چرا که نه تنها هرگونه توهمی را به اصلاح وضع موجود درچارچوب نظام موجود به کلی می زداید، بلکه شکاف های نوینی در درون هیئت حاکمه ایجاد می کند، متحدینی را که خاتمی در این چند سال درخارج ازحاکمیت داشت، از دست می دهد و آنها از رژیم جدا می شوند. نتیجتاً شرایط مساعدتری پدید خواهد آمد که توده مردم سریعتر برای تکلیف قطعی با رژیم دست به کار شوند.

* این ازدها، فرزند خود را هم می بلعد!

" من و شرکت کنندگان دیگر در کنفرانس برلین از نظام دفاع کردیم! این، سخن اکبر گنجی یکی از مدافعان نظام جمهوری اسلامی است که در جریان محاکمه اش چندین بار آن را تکرار کرد. محاکمه یک مدافع نظام آنهم به اتهام تبلیغ علیه نظام، گرچه امر بی سابقه ای نیست، اما نفس این پدیده، درخور توجه و تعمق است. هم از جنبه اثبات این حقیقت مسلم که نظام جمهوری اسلامی هیچگونه مخالفتی - ولو مخالفت رقیق و کم رنگ درچارچوب نظام - را بر نمی تابد و حتی آنقدر ظرفیت ندارد که ابراز عقاید مدافعان خویش را به صرف اینکه این عقاید ممکن است اندکی بانظرات رسمی و رهبران نظام تفاوت داشته باشد، تحمل نماید، و هم از این زاویه که یک مدافع نظام ارتجاعی، در پروسه دفاعیاتش برغم همه و هرگونه آکروبات بازی، اما سرانجام ماهیت خویش را نیز برملا می سازد و با ابراز خصومت علیه مخالفین رژیم، جریان دفاع از خودش را به دفاع از نظام تبدیل می کند و ثابت می کند که او نیز جزئی از همین نظام است. دفاع امثال گنجی از نظام ارتجاعی حاکم و قوانین و ضوابط آن، بر کسی به ویژه بر دست اندرکاران حکومتی پوشیده نبوده است. با اینهمه وقتی که به جرم شرکت در کنفرانس برلین و به اتهام اقدام علیه امنیت کشور و تبلیغ علیه نظام و امثال آن محاکمه می شود، در اثبات وفاداری خود به نظام و قوانین آن، قاضی را به نوشته های خویش ارجاع می دهد که در تمام آنها از استقرار حکومت قانون، سخن گفته است و به صراحت می گوید که هدفش از شرکت در کنفرانس برلین و اساساً هدف از برگزاری این کنفرانس، " تحکیم نظام " بوده است. او به قاضی دادگاه اینطور توضیح می دهد که " به دلیل نقش این کنفرانس در تحکیم نظام، مخالفین نظام، مخالف برگزاری آن بوده اند. ایشان هم به سیاق رهبران جمهوری اسلامی و اساتید خود، مخالفین رژیم را " معاندین " می خواند که خود در کنفرانس برلین ناظر مخالفت آنان بوده است در مورد عکس العمل ها و شعارهای آنان می گوید " شعارهای معاندین ربطی به

اعلام کردم اینطور نیست و جمهوری اسلامی اصلاح پذیر است " ! البته آقای گنجی به قاضی دادگاه اعلام کرد که صرفاً به " اعلام " این مسئله بسنده نکرده است او به قاضی توضیح داد که " به عنوان شاهد این مدعا حضور متنوع مطبوعات و مهمتر از همه تحمل مخالفان " را هم مطرح کرده است.

به نظر می رسد آقای گنجی در دفاعش از نظام آنچنان غرق شده است که وجود خویش را نیز از یاد برده است! از حضور و وجود مطبوعات متنوع بگذریم که در چارچوب نظام و ضوابط آن به چه سرنوشتی دچار شده اند و دست اندرکاران و نویسندگان آنها که یکیش همین آقای گنجی است، کارشان به کجا کشیده شده است! در مورد تحمل مخالفان نیز نیازی به توضیح و تفسیر نیست. کشتار هزاران انقلابی و مخالف رژیم در طول دو دهه حکومت اسلامی، قتل عام هزاران زندانی سیاسی و تراکم زندانها از افرادی که به جرم اعتقادات خویش در حبس اند، بهتر از هرا دعائی اوضاع واقعی را بیان می کند. دفاعگر نظام که خود در دامان همین نظام پرورده شده و فرزند همین نظام است، در حالیکه خودش هم از " جنگ " با " خصم " یعنی مخالفین رژیم صحبت می کند، زمانی این حرف ها را بر زبان می آورد که نظام حتی خود وی را نیز تحمل نکرده و کارش به زندان و دادگاه کشیده شده است! معزاد استان دفاعیات آقای گنجی به همین جا ختم نمی شود. او که فهمیده است دلیل اصلی بازداشت و محاکمه اش دنبال کردن قتل های زنجیره ای و مطالبی است که در این زمینه گفته است، در اینجا نیز سعی می کند نظامش را از زیر ضرب خارج کند و با استناد به دو جلد کتابی که در این باره نوشته است می گوید " من هر جا از قتل های زنجیره ای سخن گفتم آن را به محفل سعید امامی نسبت داده ام. من قتل های زنجیره ای را به نظام نسبت نداده ام " و بدین ترتیب داستان عالیجناب سرخپوش و تاریکخانه اشباحش را نیز سرهم می آورد و بار دیگر به قاضی اثبات می کند که وی مدافع جدی نظام است.

در هر حال مستثنی از اینکه قاضی نظام در دادگاه ارتجاعی سرانجام چه حکمی برای یک مدافع نظام صادر خواهد کرد، این حکم اما در هر حال حکم مرتجعی است علیه یکی از خدمتگزاران حکومت اسلامی که هردو خود راموظف به دفاع از همین نظام ارتجاعی می بینند. این رویداد در عین حال بار دیگر این حقیقت را اثبات می کند که نه حکومت اسلامی اصلاح پذیر است و ابراز عقیده و مخالفت را تحمل می کند و نه این حضرات " اصلاح طلب " آزادی خواهند و طرفدار آزادی اندیشه. اگر چه اکبر گنجی در آخرین دفاع خود گفت که اهل " خودکشی " نیست و در زندان اوین داری نظامت نخواهد خورد، اما چه کسی است که نداند حکومت اسلامی یک نظام ضد بشری است که از هیچ جنایتی فروگذار نمی کند و چنانچه منافعش اقتضا کند، حتی دست پروردگان و خادمان خویش را نیز مورد قهر و غضب قرار می دهد. این نظام، ازدهائی است که از بلعیدن فرزند خودش هم ابائی ندارد!

او و سایر سخنرانان که شنونده بوده اند ندارد مگر آنکه سخنرانان آنان را همراهی کرده باشند که چنین عملی صورت نگرفته است! البته آقای قاضی هم این را می داند و می پذیرد که آقای گنجی و سایر سخنرانان چنین عملی را مرتکب نشده اند. آنکه خود مدافع نظام است طبعاً نمی تواند علیه آن شعار بدهد و با مخالفین رژیم همصدائی و همراهی کند! اما " هموائی نظری " چطور؟ آقای گنجی برای آنکه شبهه قاضی را در این زمینه نیز کاملاً برطرف کرده باشد، صحنه کنفرانس برلین را تصویر می کند و در مورد مخالفین و شعار دهندگان می گوید " ما با آنها (یعنی مخالفین) در موقعیت خوبی قرار نداشتیم، بلکه صحنه جنگ دو خصم را به نمایش گذاشته بودم آنها مرتباً مرا شکنجه گر و قاتل و تروریست معرفی می کردند و در مقابل من نیز آنان را تروریست و خمپاره انداز معرفی می کردم و آنگاه از قاضی می پرسد " کجای این سخنان را می توان هموائی نظری قلمداد کرد؟! البته این نحوه نگرش مختص فقط یک تن از مدافعان نظام نیست. این شیوه نگرش همه مدافعان نظام و همه جناح های حکومتی منجمله جناح موسوم به " اصلاح طلب " که گنجی در حمایت از آن قلم می زند، در برابر مخالفین است. ولو آنکه این مدافع نظام هم علناً در دادگاه از این خصومت و جنگ با مخالفان رژیم سخنی به میان نمی آورد، مردم ایران بیشتر از دو دهه، مستقل از اینکه کدام جناح قدرت فائزه حکومتی بوده است، ناظر عملکرد آنان در کشتار و سرکوب مخالفین بوده اند و خود، قهر و خشونت آنان را با گوشت و پوست لمس کرده اند. دفاعگر نظام که همه تلاشش را به کار بسته بود تا در کنفرانس مربوطه جمهوری اسلامی رابه عنوان یک نظام اصلاح پذیر و ایده آل قالب کند، در ادامه دفاع از خودش که در عین حال دفاع از جمهوری اسلامی است، از " دعوی اصلی " خود با مخالفین صحبت می کند. او می گوید: " مخالفین معتقد بودند جمهوری اسلامی ذاتاً اصلاح ناپذیر است در حالیکه به آنان

* نگرانی رئیس قوه قضائیه حکومت اسلامی

بحرانی که رژیم جمهوری اسلامی با آن دست به گریبان است، نگرانی و اضطراب را در میان سران و جناح های حکومتی تشدید کرده است. هردسته و گروهی به زبان خویش می گوید، طوفان درحال وزیدن است و بیم آن دارند که درگرداب این طوفان از پای در آمده و نابود شوند. آنها که هنوز ماجرای طوفان انقلابی را که به سرنگونی نظام سلطنتی شاه انجامید، به یاد دارند، از تشابه تکوین شرایط و تکرار حوادث برخورد می لرزند. آنها به عینه می بینند که روی دادهائی مشابه همان سالها رخ می دهند. هر تلاشی که برای مهار بحران سیاسی می شود، بی نتیجه از کاردر می آید و این بحران عمیق تر و گسترده تر میشود. نارضایتی و اعتراض هردم فزونی می گیرد. اختناق و سرکوب دیگر جوابگو نیست و مردم از رژیم ترسی به خود راه نمی دهند. تضاد و کشمکش در میان هیئت حاکمه پایان نمی گیرد و نه تنها ازتخفیف آن خبری نیست بلکه بالعکس دانما تشدید می شود و برغم تمام تلاشها، این شکاف عمیق تر می شود. سران و جناح های رژیم هریک می کوشند که به شیوه خود براین بحران غلبه کنند، در این میان کودکان ترین آنها هنوز در این خیال بسر می برند که این بحران ناشی از اختلافات دو جناح است و براین اعتقادند که اگر آنها اختلافات را کنار بگذارند و متحداً دست به کار شوند، بحران خاتمه خواهد یافت. رئیس دستگاه قضائی حکومت اسلامی که مدتی پیش به اصفهان سفر کرده بود، درجلسه شورای اداری استان خواهان حذف جناح بندی هابری غلبه براین بحران شد و ادعا کرد که اگر اختلافات و جناح بندیها کنار گذاشته شود، مشکلات حل خواهد شد. وی که نگرانی خود را از بحران موجود پنهان نمی کرد، خطاب به وابستگان دو جناح گفت: "ما همه سرنشینان یک کشتی هستیم. اگر خطری رخ بدهد، این جناح و آن گروه نمی شناسد، همه را غرق خواهد کرد." رئیس دستگاه قضائی حکومت اسلامی که خطر غرق شدن کشتی جمهوری اسلامی و همه سرنشینان آنرا به عینه می بیند، براین خیال باطل است که کل معضلات جمهوری اسلامی ناشی از جناح بندیها و اختلافات جناح های حکومت است و اگر این اختلافات و جناح بندیها برطرف

خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان

در ۲۸ نوامبر ۲۰۰۰ تشکیلات خارج سازمان با انتشار اطلاعیه ای تحت عنوان «از مبارزات پناهجویان ایرانی در سوئیس پشتیبانی کنیم» نسبت به اعمال فشار دولت سوئیس نسبت به پناهجویان که نقض آشکار ابتدائی ترین موازین انسانی و کنوانسیون های بین المللی است اعتراض نموده و این اقدامات را محکوم شده است. دراین اطلاعیه از ایرانیان خواسته شده است که درتظاهراتی که روز ۳۰ نوامبر در مقابل دفتر سازمان پناهندگی شهر برن برگزار می گردد شرکت نمایند و نسبت به رد تقاضای پناهندگان ایرانی و امن قلمداد شدن ایران از سوی مقامات امور پناهندگی سوئیس اعتراض کنند.

ازانحاء دهان او را ببندد و از همینروست که بازداشت شد. همزمان با دستگیری زرافشان، رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح مصاحبه ای ترتیب داد و از جمله اعتراف کرد، پاره ای از اسناد بازجویی از جمله بازجویی های سعید امامی حذف شده اند و آنها را اسناد محرمانه دانست. وی گفت: "تحقیقات امامی حاوی مطالب مختلفی بود که بخش هائی مرتبط با این موضوع و پرونده نبود و بنا به تشخیص مرجع تحقیق به دلیل طبقه بندی بودن این اظهارات، دلیلی وجود نداشت که ضمیمه این پرونده باشد." رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح همچنین اعتراف کرد که متهمین، به نقش مقامات مافوق خود در این ماجرا اعتراف کرده اند. ازجمله گفت: "متهمان پرونده قتل های زنجیره ای از روزاول که این پرونده مطرح شد، اتهاماتی علیه دربی نجف آبادی وزیر وقت اطلاعات مطرح کرده بودند" اما "بازپرس پرونده به علت اینکه اتهام وی را وارد ندانست، قرار منع تعقیب صادر کرد." همین اظهار نظرهای کوتاه رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح حکومت اسلامی نیز کافیست تا هرکس قضاوت کند، آمرین واقعی این پرونده، سران رژیم و دستگاه اطلاعاتی حکومت اسلامی هستند و درحالی که متهمین به نقش وزیر اطلاعات در این ماجرا اذعان کرده اند، بازپرس قرار منع تعقیب وی را صادر می کند و دادگاهی که معلوم نیست کی و درکجا تشکیل شده است، آنرا "تائید" و "قطعی" می کند. از همین اظهارات نیز روشن است که آنچه بعنوان پرونده تحقیقات از متهمین ارائه شده، چیزی جز یک پرونده ساخته شده و گزین شده نیست. این حقایق به قدرکافی بر مردم ایران روشن است. تلاش برای کتمان واقعیات بی ثمر است. رژیم می تواند از درج اخبار و گزارشات و واقعیت های مربوط به این پرونده در روزنامه ها جلوگیری کند، می تواند صدای افرادی را که درجریان این پرونده افشاگری کرده و حقایق را گفته اند خاموش کند، می تواند زرافشان را هم بازداشت و صدای او را خفه کند، اما نمیتواند صدای میلیونها مردمی را که به جنایات رژیم و سران آن آگاهی یافته اند، خاموش کند.

گردند، معضلات حل خواهند شد. آدم هائی از قماش شاهرودی نمی فهمند که معضلات و بحرانهای اقتصادی - اجتماعی و سیاسی که رژیم جمهوری اسلامی با آنها روبروست، از عللی عینی سرچشمه می گیرند و بانظام اقتصادی - اجتماعی و سیاسی موجود مرتبط اند. این تضادهای لاینحل نظام سرمایه داری موجود و سیستم سیاسی حاکم بر ایران است که به این بحران ها انجامیده اند. لذا این بحرانها چنان راه حلی می خواهند که این تضادها را حل و بی لاف و تخفیف دهند. اگر مردم ایران به پا می خیزند، اعتراض و مبارزه میکنند، خواست و مطالبه ای دارند. این مطالبات کوچک یا بزرگ بالاخره باید متحقق شوند. طبقه حاکم تاملتی میتواند با تحمیق و سرکوب، اجرای این مطالبات را به تاخیر اندازد، اما زمانی فرامی رسد که دیگر به تاخیر انداختن آنها ممکن نیست. مطالبات توده مردم ایران اکنون در چنین مرحله ای قرار دارند. پس این اختلافات و جناح بندیهای هیئت حاکمه نیست که این مطالبات و مبارزات را پدید آورده تا با حل این اختلافات، آنها نیز حل بشوند و از بین بروند، بالعکس اختلافات درونی هیئت حاکمه و تشدید آنها نیز تابع همین اوضاع است. وقتی که مردم نمی خواهند وضع موجود را تحمل کنند، وقتی که نظام موجود ناتوانی خود را در همه عرصه ها آشکار نموده است، وقتی که در نتیجه تضادها و مبارزات مردم بحران سیاسی شکل میگیرد و تشدید میشود، شکاف و تشدید اختلافات درونی هیئت حاکمه هم جزئی از این بحران میشود. پس این تضادها و اختلافات هم زائیده علل عینی هستند و با دستور و فرمان و تمنا از میان نمی روند. این تنها کشف و نگرانی رئیس دستگاه قضائی حکومت اسلامی نیست که پاسداران نظم موجود همه در یک کشتی نشسته و با هم غرق می شوند. این را همه جناح ها و طرفداران حکومت اسلامی خوب می دانند. معهدا دیگر کاری از آنها ساخته نیست. نظم موجود پوشالی تر از آن است که بتواند در برابر طوفانی که وزیدن گرفته است، مقاومت کند، این نظم باید درهم بشکند و درهم خواهد شکست.

* وکیل خانواده های مختاری و پوینده هم بازداشت شد

افشاگری در جریان بررسی این پرونده، وی را بازداشت کرده است. اما آنچه که مسلم است، رژیم جمهوری اسلامی در تلاش است که جلو هرگونه اظهارنظر، افشاگری و مخالفتی را دراین زمینه بگیرد. زرافشان که از همان آغاز خواهان پیگیری ماجرای تمام قتل ها و همه عاملین و آمرین آنها بود، با مصاحبه های خود، ماهیت قلابی دادگاه را نیز پیشش افشاء نمود. او برای نخستین بار اعلام نمود که پاره ای از بازجویی ها، از جمله بازجویی سعید امامی در پرونده نیست و حذف شده است. بنابراین روشن است که رژیم می بایستی به نحوی

روز ۲۰ آذر ماه، سازمان قضائی نیروهای مسلح حکومت اسلامی در ادامه تلاش های خود برای خفه کردن صدای کسانی که مانع بسته شدن بی سر و صدای پرونده جنایات و زرات اطلاعات رژیم هستند، ناصرزرافشان وکیل خانواده های مختاری و پوینده را بازداشت نمود. هنوز رسماً علت بازداشت وی اعلام نشده است و معلوم نیست که آیا او به علت اظهار نظر و افشاگری در مورد پرونده قتل های زنجیره ای به سرنوشت وکیل خانواده فروهر دچار خواهد شد یا این که دستگاه اطلاعاتی و قضائی جمهوری به منظور ترساندن و برحذر داشتن وی از

یادداشت‌های سیاسی

*** خاتمی در ۱۶ آذر حرف آخر خود را زد**

دوهفته پیش هنگامی که خاتمی رئیس جمهور حکومت اسلامی برای توجیه وعده‌های تحقق نیافته و شعارهای بر زمین مانده، اعلام نمود که از قدرت و اختیار برخوردار نیست و "در مقام عمل قادر به متوقف کردن روند نقض یا وادار کردن به اجرای قانون اساسی" نمی باشد؛ اظهارات او در درون و بیرون حکومت انعکاسی وسیع یافت. جناح رقیب خاتمی که تصور می کرد این موضع گیری رئیس جمهور، یک مقدمه چینی به منظور بسط و گسترش حیطه اختیارات شخص خاتمی ست، حمله متمرکزی را علیه وی سازمان داد. چند ساعتی پس از سخنرانی خاتمی، رئیس دستگاه قضائی حکومت اسلامی وی را مورد حمله قرارداد و به استفاده ابزاری از قانون اساسی در خدمت مقاصد جناحی و سیاسی متهم کرد. در عین حال گفت؛ اگر قرار است ارگانی با قدرت اجرائی برای مقابله با "نقض قانون اساسی" وجود داشته باشد؛ "دادگاه قانون اساسی" خواهد بود که زیر نظر قوه قضائیه تشکیل و عمل خواهد کرد. این بدان معنا بود که هیچ قدرت و اختیاری در این عرصه به خاتمی داده نخواهد شد و حیطه اختیارات وی نیز بسط نخواهد یافت. شورای نگهبان هم واکنش نشان داد و گفت لازم نیست که قوه قضائیه زحمت تشکیل دادگاه قانون اساسی را به خود بدهد؛ این وظیفه برعهده یکارگان حی و حاضر به نام شورای نگهبان است که به وظیفه خود در این عرصه عمل خواهد کرد. دستگاه تبلیغاتی این جناح نیز شدیداً فعال شد و روزنامه های جمهوری اسلامی، رسالت و کیهان با درج پیاپی سخنرانی‌ها، مصاحبه ها و نامه های سرگشاده، اظهارات خاتمی را به باد انتقاد گرفتند و سیاهه بلند بالائی نیز از نقض قانون اساسی توسط خاتمی ارائه دادند. از جمله بیادشان آمد که درگوشه‌های ازقانون اساسی به آموزش رایگان اشاره شده و در جای دیگری از تأمین اجتماعی سخن به میان آمده است و رئیس جمهور به این مواد قانون اساسی و پاره ای مواد دیگر عمل نکرده است.

اصلاحات در آن را به میان کشیدند. خاتمی که در رابطه دیگری وبا هدف دیگری نداشتن قدرت و اختیار را مطرح کرده بود، اکنون در برابر مسئله‌ای قرار گرفته بود که زیر فشار مردمی که خواهان تغییر قانون اساسی اند و جناح رقیب می بایستی در قبال آن موضعی صریح اتخاذ کند. یعنی با هرگونه تغییر و اصلاحی در قانون اساسی حتی در چار چوب نظام موجود مخالفت کند و تند رویهای طرفداران خود را نیز محکوم نماید. سخنرانی خاتمی در روز ۱۶ آذر به همین منظور از سوی دفتر وی سازماندهی شد. او در جریان این سخنرانی از همان آغاز حملات خود را متوجه کسانی کرد که "دیدگاهی افراطی" دارند و به نحوی از انحاء خواهان تغییر قانون اساسی جمهوری اسلامی هستند. وی گفت: "عده ای با دیدگاههای افراطی دم از ناکارائی و ناسازگاری نظام و رئیس جمهور می زنند و خواستار تغییر نظام اند. باید در برابر حرکت های افراطی از سوی هر جناح و گروه ایستاد." و اضافه کرد: "امروز سخن از تغییر قانون اساسی که همان تغییر نظام است؛ خیانت به نظام و ملت ایران است." هرچند خاتمی همواره مدافع و پاسدار نظام جمهوری اسلامی بوده و هست و هیچگاه خواهان حتی اصلاحاتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی نبوده و نیست؛ مع هذا او در یک مقطع زمانی معین دقیقاً از زاویه حفظ نظام و تقویت مواضع جناح اش در حاکمیت، از اتخاذ این مواضع صریح خودداری می کرد و هنوز جریاناتی را که از وی طرفداری می کردند، اما به اصلاحاتی درقانون اساسی نیز معتقد بودند تحمل می کرد. اما اکنون دیگر این مرحله به پایان رسیده است. لذا موضع گیری او تا به آنجا پیش می رود که خواهان برخورد با آن گروه از "افراطی" های دوم خردادی ست که افراطی بودنشان، در خواست اصلاحات ناچیز در قانون اساسی موجود خلاصه می شود. خاتمی از این موضع نیز فراتر می رود و آنها را خائن به "نظام و ملت" معرفی میکند. صریح تر از این امکان نداشت که خاتمی خود را از کسانی که خواهان اصلاحاتی ولو ناچیز در قانون اساسی اند جدا کند. حالا کسانی که خود را طرفدار خاتمی و "اصلاحات" وی می دانستند مانده اند که چه کنند. به خیانت نیز متهم شده اند. موضع گیریهای خاتمی در ۱۶ آذر که تماماً علیه مردم ایران و حتی برخی گروههای طرفدار وی

در صفحه ۶

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
I . S . V . W
Postfach 122
Postamt 1061 , Wien
Austria

دانمارک
I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M . A . M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagermd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourbe
75015 Paris
France

هلند
P . B . 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)
۵۹۷۹۱۳۵۷ - ۶۹ - ۴۹

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiyan-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaiyan-minority.org>



Organization Of Fedaiyan (Minority)

No. 347 dec 2000

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی